



گذرانده و به بنیادگرایان متمایل است و نیز طیفی که تاثیر چندانی از گرایشات اسلام‌گرایی نگرفته است اما در اقلیت قرار دارد. خانم بی‌نظیر بوتو در جریان مبارزات انتخاباتی خود بارها ISI و مدیران امنیتی که به القاعده و طالبان گرایش دارند را مورد حمله قرار داده بود.

وی از معدود رهبرانی بود که علیه القاعده موضع‌گیری کرد و بارها تاکید کرده بود که جریانات افراط‌گرای مرزهای شمالی این کشور باعث تجزیه‌ی پاکستان خواهد شد. وی همچنین از مردم خواسته بود که به مقابله با افراط‌گرایان بپردازند یا حداقل به آنها کمک نکنند. اظهارات فوق برای رهبری سیاسی که از سوی رقبا و نیز مشرف عروسک خیمه شب‌بازی آمریکا نامیده می‌شد، مفهومی جز این نداشت که گروه‌های اسلام‌گرای افراطی با یا بدون همکاری عوامل خودسرا ISI برای ترور او اقدام کنند.

■ اکنون چه چیزی در انتظار پاکستان است؟

تحلیلگران هشدار می‌دهند که پاکستان با بزرگترین بحران خود از زمان جدایی بنگلادش از این کشور در ۳۵ سال پیش مواجه است. حسن عسکری رییس پیشین دانشکده علوم سیاسی در

نابودی خواهد کشید. این در حالی است که مسوولان برگزاری انتخابات پارلمانی پاکستان انتخابات سراسری این کشور را تا ۱۸ فوریه (۲۹ بهمن) به تعویق انداخته‌اند.

در چنین شرایطی برآستی جهان با نگرانی جدیدی مواجه شده است. پس از قتل بی‌نظیر بوتو این خطر وجود دارد که پاکستان به عنوان قدرت اتمی، کاملاً غیرقابل کنترل شود و در دست بنیادگرایان اسلامی افتد. با وجود بی‌نظیر بوتو شاید پاکستان شانس توسعه‌ی دموکراتیک را داشت،

دانشگاه پنجاب لاهور می‌گوید: "ما به سوی یک مرحله سیاسی کاملاً نامعین در حرکت هستیم؛ مرحله‌ای که می‌تواند کشور را در گرداب یک هرج و مرج فرو برد. حجم ناآرامی‌ها این تردید جدی را به وجود آورده است که آیا در چنین وضعیتی امکان برگزاری انتخاباتی که هدف از آن خارج کردن کشور از بحران سیاسی است، وجود دارد یا خیر." نواز شریف چهره‌ی برجسته‌ی دیگر اپوزیسیون پاکستان از هم اکنون حزب خود را از انتخابات کنار کشیده و معتقد است ادامه‌ی این روند "کشور را به

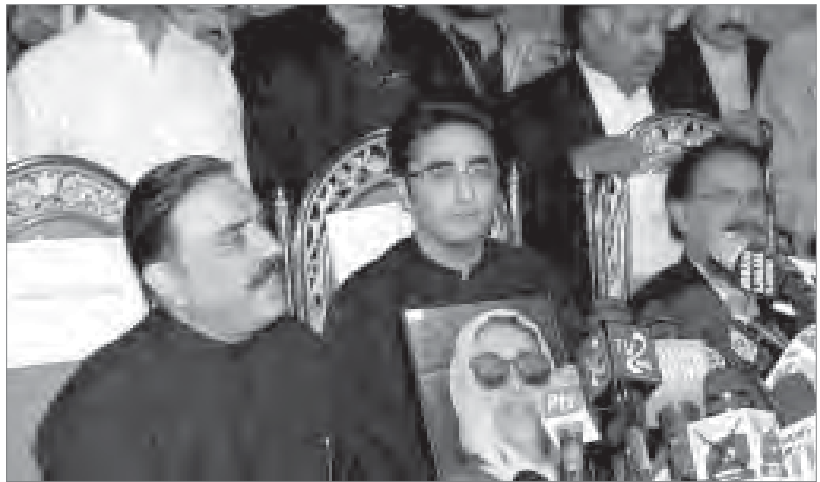
قتل بوتو به نفع کیست؟



حریف خیالی" توصیف کرد و گفت: "این حریف خیالی به زودی به غولی تبدیل می‌شود و روزی این کشور را تصرف خواهد کرد، عاملان این ترور نمی‌خواستند که همسر من در قدرت قرار بگیرد، چون بازی‌های آنها در راستای مبارزه با حریف خیالی‌شان نمی‌توانست با حضور بی‌نظیر بوتو ادامه یابد." هر چند که گروه‌های القاعده و طالبان نیز مشارکت در ترور بوتو را تکذیب کرده‌اند و گفته‌اند در مرام آنها نیست که زنان را بکشند، ولی هدف از انفجار انتحاری شهر راولپندی ایالت پنجاب می‌توانست هم خود بوتو به عنوان سیاستمداری واقعی و هم انتخابات آتی باشد؛ زیرا زمانی که چنین رویدادهایی رخ می‌دهند همیشه مجموعه‌ای از شرایط در آن دخالت دارند.

دولت پاکستان در ساعات اولیه پس از مرگ بوتو "بیت‌الله مسعود" فرمانده طالبان پاکستان را عامل طراحی ترور بوتو معرفی کرد ولی آصف زرداری، همسر بی‌نظیر این اظهارات دولت پاکستان را مورد تمسخر قرار داده و در عوض تشکیلاتی را که از نظر قدرت و گستردگی از خود پرویز مشرف، رییس جمهور پاکستان بزرگتر می‌باشد را عامل ترور بوتو معرفی کرد. آصف زرداری همچنین گفت: "فکر نمی‌کنم که ما برای القاعده تهدید محسوب بشویم. ما در دولت پاکستان حضور نداریم. چرا القاعده به جای از بین بردن ساختار فعلی دولت پاکستان باید اعضای ما را بکشد؟ چرا آنها باید به دنبال ما باشند؟" وی در ادامه نقش اسلام‌آباد در جنگ علیه تروریسم را با "جنگ با

حادثه تکان دهنده قتل بوتو و پیامدهای احتمالی آن توجه جهانیان را به کلی به خود معطوف کرده و سیاستمداران و تحلیلگران در حال بررسی عوامل و ابعاد این رویداد و تاثیر احتمالی آن بر آینده‌ی پاکستان و منطقه‌ی آشوب‌زده‌ی خاورمیانه و کل جهان هستند. در حقیقت مسوولیت و عواقب ترور بوتو آن قدر سنگین است که حتی اسامه بن‌لادن رهبر القاعده در یک پیام ویدیویی هر گونه دخالت القاعده در این عملیات تروریستی را به شدت تکذیب کرد. در شرایطی که نه القاعده و نه هیچ گروه دیگری (تا لحظه‌ی نگارش این مقاله) مسوولیت ترور بوتو را بر عهده نگرفته، سوالی که ذهن کارشناسان را به خود مشغول کرده این است که ترور بوتو واقعا به نفع کدام شخص یا سازمان است؟



انتخابات، انحصار قهر و نظم حقوقی را بر کرسی نشانند. اما این آرمانی دست نیافتنی به نظر می‌رسد. عدم تحقق این آرمان ربطی به محاسبات و رفتار کنایه‌آمیز آمریکا ندارد. حکومت‌های غیر نظامی در پاکستان نیز اشتباهات فاحش داشته‌اند. نفوذ آمریکا و تهدید این کشور به قطع کمک‌های مالی و نظامی به پاکستان فقط تا این اندازه موثر است که مشرف تن به برخی سازش‌ها دهد، برای مثال بازگشت سیاستمداران از تبعید پس از سال‌های طولانی و یا وداع وی از اونیفورم نظامی؛ اما بدون شک آمریکا بدون بی‌نظیر بوتو دیگر قادر نیست که از پاکستان جامعه‌ای مدنی بسازد. این در حالی است که پاکستان در وضعیت بی‌ثباتی قادر به مقابله با القاعده و طالبان در مناطق مرزی با افغانستان نیست. حتی بدتر از این حالت، این خطر نیز وجود دارد که سلاح‌های هسته‌ای این کشور به دست افرادی ناباب افتد. بها برای این شرایط آشفته آن چنان گزاف است که تنها می‌توان تصور کرد که تنها ژنرال‌ها بار دیگر قادر به برقراری نظم خواهند بود. در این صورت، شاید در نظر جامعه‌ی جهانی خطر این وضعیت کمتر باشد. اما پاکستان همچون یک بمب ساعتی، آن هم یک بمب اتمی ساعتی همچنان باقی خواند ماند.

بلکه برای تمام جهان می‌تواند خطرناک باشد. بوتو شاید تنها کسی بود، که پس از ده‌ها سال سلطه‌ی نظامیان، می‌توانست پاکستان را متحد سازد. هیچ رهبر سیاسی در پاکستان قادر نخواهد بود جای او را پر کند. امید به پایان هرج و مرج سیاسی پس از انتخابات حتی با وجود بی‌نظیر بوتو نیز کم رنگ بود، اما حال پس از مرگ وی تمام امیدها بر باد رفته است. در شرایط فعلی طبیعتاً بهترین شکل این است که پاکستان در راه دموکراسی با ثبات قدم گذارد و از طریق دولتی مشروع و برآمده از

گرچه این احتمال نیز بعید به نظر می‌رسد. اما حزب خانم بوتو تلاش خواهد کرد که از او شهیدی بسازد و در صورت برگزاری انتخابات از مرگ او بهره‌برداری سیاسی کند. این سیاست می‌تواند موفق شود. اما حتی در صورتی که مشرف مجبور به ترک صحنه سیاسی شود، این به معنای پرخشی در جهت دموکراسی نخواهد بود. شکاف میان جبهه‌های متخاصم عمیق‌تر خواهد شد و این به معنای هرج و مرج و ادامه‌ی خشونت است. در واقع مرگ بی‌نظیر بوتو نه تنها برای پاکستان،



شناسایی همه آمران و عاملان و دست‌های پیدا و پنهان در این ترور هدفدار بگذرد، باید منتظر بود که سونامی حادثه، نه تنها بر سر پاکستان که بر بخش‌های دیگری از شبه قاره و نیز سرتاسر آسیای میانه نیز فرود آید.

زودی آشکار شود یا دست‌های پیدا و پنهان همه افشا شوند. اما آنچه روشن است اینکه هر گونه ساده کردن مساله و کنار گذاشتن همه‌ی احتمالات، راه به‌جایی نمی‌برد. بی‌گمان، اگر این بار نیز دنیا بخواهد به همین سادگی از کنار ریشه‌یابی و

از سوی دیگر خانواده‌ی بوتو همیشه برای فرماندهان ارتش و فاسد ارتش پاکستان خطرناک بوده‌اند. پس به این ترتیب باید گفت که قتل بوتو در درجه‌ی اول به نفع نظامیانی است که در راس حکومت پاکستان قرار دارند. به گفته‌ی برخی از فعالین سیاسی در پاکستان، قتل بی‌نظیر بوتو به این معنی است که انجام مبارزات انتخاباتی ممکن نیست. اما به طور کل، به دلیل سطح بالای تدابیر امنیتی برای حفظ جان خانم بی‌نظیر بوتو، چه از سوی دولت پاکستان، چه از سوی حزب مردم، مساله‌ی ترور چنین شخصیتی پیچیده‌تر از آن است که بتوان به همین سادگی از کنار آن گذشت. به نظر می‌رسد ساده‌ترین راه، محدود کردن دایره‌ی اتهام به گروه‌های تندرو ستیزه‌جوی مخالف مانند طالبان و القاعده باشد؛ چرا که در داخل و خارج از پاکستان، به دلیل شناخته بودن این دو گروه و نحوه‌ی انجام این ترور، برای بسیاری بخصوص در خارج از پاکستان پذیرفتنی هم می‌آید. شاید دراز